



ماجرای معراج پیامبر به آسمان هفتم

17 رمضان سالگرد معراج پیامبر اکرم(ص) است. یکی از معجزات علمی و عملی پیامبر اعظم(ص) که به تصریح قرآن کریم در سایه عبودیت آن حضرت رخ داده، «معراج» است. عروجی که در آن محمد (ع) خاک را در نوردید و فاتح افلاک شد.

ماجرای معراج پیامبر به آسمان هفتم/صخره ای که پیامبر از آنجا به آسمان رفت + عکس
17 رمضان سالگرد معراج پیامبر اکرم(ص) است. یکی از معجزات علمی و عملی پیامبر اعظم(ص) که به تصریح قرآن کریم در سایه عبودیت آن حضرت رخ داده، «معراج» است. عروجی که در آن محمد (ع) خاک را در نوردید و فاتح افلاک شد. در اولین آیه سورة اسرا و آیات هشتم تا هجدهم سورة نجم می توان اشاراتی را درباره معراج مشاهده کرد. آغاز ماجرا در سورة اسرا چنین آمده است:

پاک و منزّه است خدایی که بنده اش را در یک شب از مسجدالحرام به مسجد الاقصی برد که گرداگردش را پربرکت ساختیم، تا نشانه های خود را به او نشان دهیم. او شنوا و بیناست.

البته آن گونه که از روایات برمی آید معراج ضمن دو مرحله انجام شده است در مرحله اول همان گونه که در آیه فوق مشاهده کردیم ایشان را شبانه از مسجدالحرام تا مسجدالاقصی سیر می دهند و پس از آن تا آسمان هفتم و تا جایی صعود می کنند که احدی جز خداوند متعال حضور نداشته است و تمام این ماجرا در بیداری بوده و بنابر نظر اکثر علمای شیعه با همین بدن جسمانی اتفاق افتاده و نه در خواب یا با روح زیرا معراج صرفاً روحانی فضیلت چندانی را برای ایشان اثبات نمی کند و چنان عظمتی را که مورد تأکید و روایات است بر نمی تابد.

مرحله دوم معراج در سورة نجم چنین توصیف شده است:

سپس [پیامبر(ص) در شب معراج] نزدیک و نزدیک تر شد، تا آنکه فاصله او [با مقام قرب خاص خدا] به اندازه طول دو کمان یا کمتر بود. در اینجا، خداوند آنچه را وحی کردنی بود، به بنده اش وحی کرد. آنچه را دید، انکار نکرد. آیا با او درباره آنچه دید، مجادله و ستیز می کنید؟ و بار دیگر نیز او را نزدیک سدره المنتهی که بهشت جاویدان در آنجاست، دیده است. در آن هنگام که چیزی (شکوه و نور خیره کننده ای) سدره المنتهی را پوشانده بود. چشم او هرگز منحرف نشد و طغیان نکرد. (آنچه را دید، واقعیت بود) او در شب معراج، برخی نشانه های بزرگ پروردگارش را دید.

هر چند روایات درباره معراج آنقدر متعدد است که به حد تواتر رسیده و مورد قبول همگان می باشد لیکن راجع به زمان، مکان و تعداد دفعات وقوع آن میان محدثان، مورخان و مفسران اختلاف نظر وجود دارد:

– زمان اولین معراج را بهتر است نه ماه یا دو سال پیش از ولادت حضرت زهرا(س) بدانیم زیرا حضرت محمد(ص) روزی در جواب یکی از همسران خود که از شدت محبت به فرزندشان گله کرده بود، تشکیل نطفه ایشان را در آسمان و شب معراج خوانده اند. (1)

– مکان آن نیز خانه حضرت خدیجه(س) خانه ام هانی خواهر حضرت علی(ع)، شعب ابی طالب، و مسجدالحرام در کنار کعبه گفته شده است.

– آن گونه که از ظاهر روایات برمی آید، احتمالاً معراج بیش از دو مرتبه و طی دفعات متعدد اتفاق افتاده که یکی از آنها بسیار شاخص و معروف شده که گفته شده این معراج در شب هفدهم ماه رمضان سال دهم بعثت اتفاق افتاده است. (2)

معراج در یک نگاه

روشنایی روز از صحنه گیتی رخت بر بسته و تاریکی شب، همه جا را فرا گرفته بود. مردم از کار و تلاش روزانه، دست کشیده و در خانه خود آرمیده بودند. پیامبر اسلام نیز می خواست پس از ادای فریضه، برای رفع خستگی در بستر آرام بگیرد. ناگهان صدای آشنای جبرئیل امین را شنید: «ای محمد! برخیز! با ما همسفر شو؛ زیرا سفری دور و دراز در پیش داریم».

جبرئیل امین، مرکب فضایی به نام «براق» را پیش آورد. محمد(ص) این سفر با شکوه و بی سابقه را از خانه ام

هانی یا مسجدالحرام آغاز کرد، ولی با همان مرکب به سوی بیت المقدس روانه شد و در مدت بسیار کوتاهی در آن محل فرود آمد. در مسجدالاقصی (بیت المقدس) با حضور ارواح پیامبران بزرگ مانند ابراهیم(ع)، موسی(ع) و عیسی(ع) نماز گزارد. امام جماعت نیز پیامبر اکرم(ص) بود. سپس از مسجدالاقصی، «بیت اللحم« - زادگاه حضرت مسیح(ع) - و خانه های پیامبران دیدن کرد. پیامبر در برخی جایگاه ها به شکرانه چنین سفری و تحیت محل های متبرکه، دو رکعت نماز شکر به جای آورد.

آن گاه مرحله دوم سفر خود را که حرکت به سوی آسمان های هفت گانه بود، آغاز کرد. پیامبر همه آسمان ها را یکی پس از دیگری پیمود و ساختار جهان بالا و ستارگان را دید. ولی در هر آسمان به صحنه های تازه ای برمی خورد و با ارواح پیامبران و فرشتگان سخن می گفت. او در بعضی آسمان ها با دوزخ و دوزخیان و در بعضی آسمان های دیگر با بهشت و بهشتیان برخورد کرد و از مراکز رحمت و عذاب پروردگار بازدید به عمل آورد. ایشان، درجه های بهشتیان و اشباح دوزخیان را از نزدیک مشاهده کرد.

سرانجام به «سدرۃ المنتهی« در آسمان هفتم و «جنة المأوی« (بهشت برین) رسید و در آنجا، آثار شکوه پروردگار هستی را دید. وی چنان اوج گرفت و به جایی رسید که جز خدا، هیچ موجودی به آنجا راه نداشت. حتی جبرئیل از حرکت باز ایستاد و گفت: «به یقین، اگر به اندازه سرانگشتی بالاتر آیم، خواهم سوخت« (3)

آنگاه حضرت محمد(ص) در آن جهان سراسر نور و روشنایی، به اوج شهود باطنی و قرب الی الله و مقام «قاب قوسین أو أدنی« رسید. خداوند در این سفر، دستورها و سفارش های بسیار مهمی به پیامبر فرمود. بدین صورت، معراج که از بیت الحرام - و به گفته بعضی، از خانه ام هانی، دختر عموی آن حضرت و خواهر امیرالمؤمنین علی(ع) - آغاز گشته بود، در سدرۃالمنتهی پایان پذیرفت. سپس به پیامبر دستور داده شد از همان راهی که عروج کرده است، باز گردد.

پیامبر هنگام بازگشت، در بیت المقدس فرود آمد و از آنجا راه مکه را در پیش گرفت. ایشان در میانه راه به کاروان بازرگانی قریش برخورد کرد، در حالی که آنان شتری را گم کرده بودند و در پی آن می گشتند. پیامبر از آبی که در میان ظرف آنان بود، قدری نوشید و باقی مانده آن را به زمین ریخت و بنابر روایتی، روی آن، سربوش گذارد. حضرت محمد(ص) پیش از طلوع فجر در خانه «ام هانی« از مرکب فضاییمای خود فرود آمد. (4)

مشاهدات زمینی رسول خدا(ص)

با توجه به آنکه معراج در نوبت های متعددی انجام شده و در هر کدام از این سفرها پیامبر(ص) مشاهدات متفاوتی داشته اند، لذا در هر فرصتی که پیش می آمده به فراخور شرایط صحنه ای از آن ماجراها را برای اصحاب و اطرافیان خویش ترسیم و تصویر می کرده اند.

حضرت محمد(ص) در خانه ام هانی، برای نخستین بار، راز سفر خود را با دختر عمویش، ام هانی در میان گذاشت. سپس هنگامی که روز آغاز گشت، قریش و مردم مکه را از این جریان باخبر ساخت. داستان معراج و فضانوردی شگفت انگیز پیامبر در آن مدت کوتاه که به نظر قریش، امری ناممکن بود، همه جا پخش شد. سران قریش بیش از پیش بر محمد(ص) خشم گرفتند و بنابر عادت همیشگی خود، به تکذیب او برخاستند. از ایشان خواستند که وضع ظاهری ساختمان بیت المقدس را بیان کند. آنان گفتند: کسانی در مکه هستند که بیت المقدس را دیده اند. اگر راست می گویی، آنجا را تشریح کن تا ما تو را در این خبر شگفت انگیز، تصدیق کنیم.

پیامبر بزرگوار اسلام، وضع ظاهری ساختمان بیت المقدس را برای آنان بازگو کرد. افزون بر آن، حوادثی را که در میانه راه مکه و بیت المقدس و هنگام بازگشت از معراج رخ داده بود، بیان کرد. ایشان گفت: «در میان راه، به کاروان فلان قبیله برخوردیم که شتری از آنها گم شده بود. در میان اثاثیه آنان، ظرف آبی بود که من از آن نوشیدم. سپس آن را پوشاندم. در جای دیگر به گروهی برخوردیم که شتری از آنها رمیمده و دست آن شکسته بود.« قریش گفتند: از کاروان قریش خبر ده. پیامبر فرمود: «آنان را در «تنعیم« (در ابتدای حرم) دیدم که شتری خاکستری رنگ در پیشاپیش آنان حرکت می کرد. آنان کجاوه ای روی شتر گذارده بودند و اکنون به شهر مکه وارد می شوند.«

قریش از این خبرهای قطعی، سخت ناراحت شدند و گفتند: اکنون صدق و کذب گفتار او برای ما آشکار می شود. همه انتظار می کشیدند که کاروان چه زمانی وارد شهر می شود. ناگهان پیشگامان کاروان وارد شهر شدند. اهل کاروان، شرح قضیه را همانگونه که رسول اکرم(ص) بازگفته بود، تصدیق کردند. (5)

موعود(ع) در معراج

اصلی ترین مشاهده پیامبر اعظم(ص) در شب معراج را باید شهود انوار مقدسه ائمه(ع) بدانیم که اصحاب متعددی روایت ذیل یا

مشابه آن را از آن حضرت نقل کرده اند و همان طور که خواهیم دید در میان دوازده امام(ع)، حضرت مهدی(ع) جایگاهی ویژه و ممتاز دارند. ضمن این روایات نقل شده است که رسول خدا(ص) فرمود:

همانا خدای عزوجل در آن شب که به گردشی شبانه برده شدم (معراج) به من وحی فرمود: ای محمد چه کسی را در زمین میان امتت به جای خود گذاشتی؟ - در حالی که خدا خود بدان آگاه تر بود - عرض کردم: پروردگارا، برادرم را فرمود: ای محمد، علی ابن ابی طالب را؟ عرض کردم: بلی ای خدای من، فرمود: ای محمد من ابتدا از مقام ربوبیت نظری بر زمین افکندم و تو را از آن اختیار کردم. هیچ گاه یادی از من نمی شود مگر اینکه تو نیز با من یاد کرده شوی. من خود محمودم و تو محمد؛ سپس نظری دیگر بر زمین افکندم و از آن علی بن ابی طالب را برگزیدم و او را وصی تو قرار دادم، پس تو سرور پیامبران و علی از نام های من است و «علی؛ raquo؛ (مشتق آن) نام اوست. ای محمد، من، علی و فاطمه و حسن و حسین و امامان را از یک نور آفریدم؛ سپس ولایت ایشان را بر فرشتگان عرضه داشتم، هر که آن را پذیرفت از مقربین گردید و هر که آن را رد نمود به کافران پیوست. ای محمد، اگر بنده ای از بندگانم مرا چندان پرستش کند تا رشته حیاتش از هم بگسلد و پس از آن در حالی که منکر ولایت آنان است با من روبه رو شود، او را در آتش دوزخ خواهم افکند سپس فرمود: ای محمد، آیا مایلی آنان را ببینی؟ عرض کردم: بلی. فرمود: قدمی پیش گذار. من قدمی جلو نهادم. ناگاه دیدم علی بن ابی طالب و حسن و حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی آنجا بودند و حجت قائم همانند ستاره ای درخشان در میان آنان بود، پس عرض کردم: پروردگار من اینان چه کسانی اند؟ فرمود: اینان امامان هستند و این یک نیز قائم است که حلال کننده حلال من و حرام دارنده حرام من است، و از دشمنان من انتقام خواهد گرفت. ای محمد، او را دوست بدار که من او را دوست می دارم و هر کس را که او را دوست بدارد نیز دوست می دارم. (6)

پی نوشت ها:

1. برای مطالعه تفصیل این روایت و ارقام مختلفی که برای سال بعثت برشمرده اند ر.ک: مرتضی عاملی، سید جعفر، سیرت جاودانه، ترجمه دکتر محمد سپهری، ج 1، صص 291-293.
 2. ر.ک: سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، ج 1، ص 384.
 3. مجلسی، بحارالانوار، ج 18، ص 382، به نقل از: سیمای معراج پیامبر، ص 22.
 4. آیت الله زاده نایینی، مهدی، معراج به روایت فیض کاشانی، صص 10 و 50.
 5. سبحانی، همان، ج 1، صص 379-381.
 6. برای نمونه ر.ک: نعمانی، الغیبة، ص 133.
- برگرفته از پایگاه اطلاع رسانی حوزه